

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۶۲-۲۵۳ New Period, No 17, 2019, P 253-262

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۰۱۸-۲۴۷۶)

واکاوی شرایط و اوضاع احوال جانبی در موقعیت پیش جنایی و شکل گیری جرم و عناصر موثر در پیشگیری از جرم

حمزه رضایی^۱، محمد ایلدرمی^۲

۱. دانشجوی حقوق جزا و جرم شناسی - مدرس دانشگاه

۲. دانشجوی حقوق جزا و جرم شناسی - وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

از آنجا که وضعیت پیش جنایی مجموعه‌ای از اوضاع و احوال خارج از شخصیت بزهکار و مقدم بر عمل مجرمانه است، با یک پدیده عینی سروکار داریم عناصر تشکیل دهنده وضعیت پیش جنایی را می‌توان به سه عنصر بزهکار و بزه‌دیده و محیط تقسیم‌بندی نمود که در کنار هم باعث تحقق جرم می‌شوند در این خصوص بزه‌دیده که مهمترین عنصر وضعیت پیش جنایی است، از طریق تحریک و ترغیب بزهکار، می‌تواند فرصت ارتکاب جرم علیه خود را فراهم نماید و علاوه بر این دو عنصر، برخی از محیطها و وضعیت‌های زمانی و مکانی نیز در تحقق جرم نقش دارند و باعث تحریک بزهکاران و ایجاد انگیزه در آنان می‌شوند. بنابراین برای پیشگیری از جرم، باید به این عناصر توجه شود و با تغییر در این وضعیت‌ها از تحقق جرم کاست.

واژه‌های کلیدی: موقعیت پیش جنایی، اوضاع و احوال حاکم بر جرم، پیشگیری وضعی، پیشگیری

مقدمه

وضعیت پیش‌جنائی و شرایط و اوضاع احوال جانبی آن یکی از عوامل مهم در تحقق و شکل‌گیری جرم است و در تصمیم‌گیری بزهکاران به شروع و ادامه یا انصراف از بزهکاری تأثیر دارد. از آنجا که بسیاری از تکنیک‌های پیشگیری وضعی مبتنی بر حذف و کاهش وضعیت‌های پیش‌جنائی است، شناخت عناصر تشکیل‌دهنده آن هم در علت‌شناسی جرم و هم در پیشگیری از آن مفید خواهد بود. نقش وضعیت پیش‌جنائی در تحقق جرم در چند دهه گذشته مورد توجه خاص جرم‌شناسان قرار گرفته و تا پیش از آن عواملی همچون تربیت در زمان طفولیت، ساختار ژنتیکی و غیره از علل و عوامل جرم یاد می‌شد به عبارت دیگر در زمان‌های گذشته مطالعات جرم‌شناسی فقط به بررسی بزهکار خلاصه می‌شد و جرم‌شناسان سعی داشتند تا علل و عوامل جرم را در درون بزهکاران جستجو کنند. به تدریج و با نفوذ تفکرات جدید در جرم‌شناسی تأثیر سایر عوامل در تحقق جرم نیز مورد توجه قرار گرفت و نظرها از سوی بزهکار به سوی عوامل دیگری مانند بزه‌دیده و محیط نیز جلب گردید. نقش بزه‌دیده و محیط در کنار بزهکار به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده وضعیت پیش‌جنائی یکی از موضوعات جدیدی بود که توسط جرم‌شناسان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. و بعنوان یکی از عناصر موثر در پیشگیری از جرم تأثیر بسزایی در این حوزه ایفا نموده است.

تعاریف و مفاهیم

وضعیت: واژه وضعیت به زمینه‌ای اشاره دارد که رفتار دقیقاً در آن روی می‌دهد و تحلیل وضعیتی به جست‌وجوی ساماندهی‌هایی در روابط بین رفتارها و وضعیت‌ها اشاره می‌کند (ولد، برنارد، اسنیس، ۱۳۸۸، ۲۱۱).

وضعیت پیش‌جنائی

این وضعیت، اوضاع و احوالی است که برای مجرم احتمالی پیش آمده و مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. بنابراین وقوع ارتکاب جرم از ابتدا تا انتهای آن بسته به وضعیتی است که شخص را تحت تأثیر قرار داده است (صلاحی، ۱۳۸۹، ۴۵).

بنابراین در تحقق جرم، علاوه بر شخصیت، عامل وضعیت نقش عمده‌ای ایفاء می‌کند و در توضیح عمل مجرمانه امری اساسی دارد.

ریموند گسن وضعیت پیش‌جنائی را اینگونه تعریف می‌کند: وضعیت پیش‌جنائی مجموعه‌ی اوضاع و احوال خارج از شخصیت بزهکار است که بر عمل مجرمانه مقدم هستند و سبب تدارک عمل مجرمانه می‌شوند، به قسمتی که به وسیله‌ی شخصی، مفهوم و محسوس هستند (صلاحی، ۱۳۸۹، ۱۹۳).

تعریف فوق بیانگر این موضوع است که: وضعیت پیش جنایی پدیده عینی و خارج از شخصیت بزهکار است و این وضعیت بزهکار را تحت تاثیر قرار می دهد شرایط و اوضاع احوال جنایی در موقعیت پیش جنایی و شکل گیری جرم نقش عمده ای دارند که باید در پیشگیری از جرم مورد عنایت ویژه قرار گیرند.

مراحل وضعیت پیش جنایی

هر وضعیت پیش جنایی دارای دو مرحله اساسی است واقعه یا رشته ای از وقایع که باعث تشکیل نقشه جنایی در ذهن بزهکار می شود و اوضاع و احوالی که تدارک و اجرای جرم را در بر گرفته است. نقشی که هر یک از این دو مرحله ایفا می کنند بسیار متفاوت است، بنابراین تشخیص و تمیز بین این دو مراحل تشکیل دهنده، امری اساسی است (صلاحی، ۱۳۸۹، ۱۹۳).

منظور از مفهوم ذهنی وضعیت پیش جنایی، برداشت ها و تجارب قبلی است که به ذهن مرتکب خطوط می کند تحقق می یابد. بدین ترتیب یک وضعیت پیش جنایی مخصوص، بر حسب نحوه برداشت شخص می تواند فعلیت یافتن عمل مجرمانه را تحریک نماید یا بر عکس، همان وضعیت بدون اثر باقی بماند. در این صورت یک شخص واحد در دو زمان متفاوت ممکن است در برابر وضعیت پیش جنایی، یک بار مرتکب جرم شود و بار دیگر از آن اجتناب ورزد (کلارک، اک، ۱۳۸۸، ۸۱).

برای تحقق جرم، از منظر ذهنی فرایندی سپری می شود که از مرحله اندیشه و تصمیم گیری شروع می شود و با اقدام به آن پایان می پذیرد. کل این فرایند از نظر جرم شناسی «گذار اندیشه به فعل جنایی» خوانده می شود.

تقسیم بندی وضعیت های پیش جنایی بر اساس نظریه کین برگ

این جرم شناس سوئدی تنها کسی است که وضعیت های پیش جنایی را به سه دسته تقسیم می کند.

۱) وضعیت مخصوص یا خطرناک

وضعیت های مخصوص یا خطرناک دارای دو صفت مشخص هستند:

اول: وضعیت جرم همیشه وجود دارد و جستجوی آن لزومی ندارد.

دوم: عامل انگیزه ی بزهکار بالقوه در آنها وجود دارد (اشراقی، ۱۳۸۸، ۱۷).

با این دو ویژگی است که این نوع وضعیت ها از دو نقطه نظر خطرناک می شوند:

اولاً وضعیت های این چنینی، شخص را مستعد رشد جنایی می سازد و ثانیاً اشخاص یا اشیایی را در معرض خطر قرار می دهد که به محیط بزهکار بالقوه تعلق دارند. بنابراین وضعیت های خطرناک یا موجب بروز جنایت می شود و یا اشخاص را قربانی خود می سازد (کی نیا، ۱۳۸۳، ۳۰۹).

هر نوع از وضعیت‌های مخصوص فقط می‌تواند در اشخاصی که ویژگی خاص دارد موثر افتد در صورتی که در اشخاص دیگر نمی‌تواند تاثیری داشته باشد. اشخاصی که در وضعیت‌های مخصوص و خطرناک مرتکب جرم شده‌اند اگر از آن وضعیت خارج گردند مرتکب جرم نمی‌شوند. از انواع وضعیت‌های خطرناک می‌توان به وضعیت ماقبل زنا با محارم، قتل اعضای خانواده، ضرب و شتم زنان توسط همسرانشان، حسادت و هتک ناموس اشاره نمود (اشراقی، ۱۳۸۸، ۱۷).

وضعیت‌های غیرمخصوص یابی شکل

در این وضعیت‌ها، ارتکاب جرم امری غیرعادی است، اما به مفهوم آن نیست که امکان ارتکاب جرم در این وضعیت‌ها وجود ندارد، بلکه باید در جستجوی آن برآمد. با این وجود تحقق جرم منوط به مهیا کردن شرایطی مانند تهیه مقدمات کار، به دست آوردن ابزار ارتکاب جرم، انتخاب شرکای جرم و غیره است. در وضعیت‌های غیرمخصوص یابی شکل اشخاصی که مرتکب جرم می‌شوند از نظر استعداد جنایی کم و بیش ماهر و در عمل سریع و چابک هستند (محمد نسل، ۱۳۸۸، ۸۳).

در این وضعیت‌ها، خطر از قبل متوجه اشخاص معین نیست. انتخاب بزه دیده ناشی از شناخت و رابطه‌ی شخصی بین بزه‌کار و بزه دیده نیست. اقدامات در این وضعیت‌ها کمتر به اشخاص یا دیگر گروه‌های خاص محدود است. سرقت مسلحانه، کلاهبرداری سازمان‌یافته، ساخت سکه قلب از مصادیق این وضعیت هستند (گسن، ۱۳۸۵، ۱۹۶).

وضعیت مختلط یا بینابین

در این وضعیت‌ها شانس ارتکاب جرم به فرد داده شده بدون آنکه خود وی در جستجوی آن بوده باشد. اما از سوی دیگر لزوماً ارتباط خاصی بین ساختار شخصی مباشر جرم و محرک‌های خارجی وجود ندارد. این گونه وضعیت‌ها در اثر فشار یک حادثه یا یک واکنش پدید می‌آیند. به عنوان مثال هنگامی که خودی از ترس انتقام‌گیری از وی توسط گروهی دیگر مرتکب جرم می‌شود در این وضعیت اوضاع و احوال موجود در احاطه فرد و سوسه‌آمیزه است و اگر این گونه افراد را کسی هدایت نکند و از چنین محیطی دور نکند با گذر زمان به سمت بزه‌کاری سقوط می‌کنند. چنین وضعیتی را می‌توان یک وضعیت مختلط ناشی از «احتمال سالم ماندن، یا سقوط در بزه‌کاری» نامید (صلاحی، ۱۳۸۹، ۴۵). به عنوان مثال افراد در سازمان‌های تبه‌کاری در این دسته می‌باشند.

ارکان متشکه وضعیت پیش جنایی

برای اینکه عناصر پیشگیری را پیدا کنیم ابتدا به ساکن باید عناصر تشکیل‌دهنده وضعیت پیش جنایی را تبیین و روشن نماییم.

در مورد عناصر تشکیل دهنده وضعیت پیش جنایی عده‌ای از جرم شناسان فهرست‌های متفاوتی ارائه داده‌اند که از جمله این جرم شناسان زلیگ، پی نائل و کین برگ می‌باشند. در کتاب زلیگ به نام رساله جرم‌شناسی تعدادی از مهمترین وضعیت‌های پیش جنایی فهرست گردیده است که عبارتند از: عوامل اقتصادی فردی (بینوایی- بیکاری ممتد و غیره)، اختلال‌هایی در زندگی عشقی و سوسه‌های جنسی - یک قربانی کاملاً معین به دلیل یک خصلت معین او که محرک ارتکاب جرم است مثل خانه‌ی بی‌سکنه یا دریاچه‌هایی بسته و اکنش نسبت به تحریک به وسیله‌ی افراد مخصوص یا نمایندگان قدرت عمومی - کنش حاد الکلی - سایر تحریکات نسبت به استعداد‌های عاطفی در سارقین مثل تاثیر جو فروشگاه‌های بزرگ (گسن، ۱۳۸۸، ۲۰۱).

پی نائل، زلیگ را به مناسبت بی‌نظمی در شمارش وضعیت‌ها مورد انتقاد قرار داده است و جنبه‌های متفاوت وضعیت‌های پیش جنایی را بصورت هفت قاعده طلایی کشف جرم بیان نموده است و معتقد است برای کشف علت واقعی یک جرم باید به مسائل زیر توجه کرد و به پرسش‌های آن پاسخ داد: کی (چه کسی؟). کجا (محل وقوع جرم؟) - کی (چه وقت؟) - چگونه (چطور؟) با چه کسی؟ - چرا (برای چه؟) - موقعیت قربانی (بیداری، خواب، استرس، تفریحات مختلف... .) از آنجایی که این پرسش‌ها در زبان آلمانی با W شروع می‌شوند به همین دلیل فوق آنرا قاعده هفت می‌نامند (گسن، ۱۳۸۸، ۲۰۱). به نظر پی نائل، با شناخت چنین اوضاع و احوالی، علت واقعی و چگونگی انجام هر جرم مشخص می‌شود (صلاحی، ۱۳۸۹، ۴۶).

مثلث وضعیت پیش جنایی

برای شناسایی علل جرم از نظریات جرم‌شناسی استفاده می‌شود. عمل جرم به علل بلاواسطه و علل بعید تقسیم می‌شوند. از میان علل بلاواسطه و علل بعید جرم، آنچه که به وضعیت‌های پیش جنایی می‌پردازد علل نزدیک و بلاواسطه یا علل قریب جرم می‌باشد. نظریه فرصت مجرمانه نیز، جرم را محصول تاثیر علی بی‌واسطه می‌داند که جمع شدن آنها در کنار هم باعث تحقق جرم می‌گردد. در تحقق انواع جرائم، یک بزهکار آماده و انگیزه‌مند از طریق دسترسی به یک هدف آسیب‌پذیر و جذاب برای جرم، در یک محیط مساعد و در غیاب پیشگیران لایق و انگیزه‌مند به دنبال یافتن یا ایجاد موقعیت مجرمانه است (محمد نسل، ۱۳۸۹، ۳۲۰).

نقش بزهکار در وضعیت پیش جنایی

برای شناسایی نقش بزهکار در وضعیت پیش جنایی نیازی به یافتن دلایل روانشناسی و جامعه‌شناسی نیست بلکه باید به منافع که بزهکاران در جستجوی آن هستند پرداخته شود. در نمودار تحلیل جرم بزهکار به عنوان یکی از اضلاع مثلث جرم، یکی از عوامل تحقق جرم به حساب می‌آید برای اینکه بدانیم بزهکاران

چرا و چگونه مرتکب جرم می‌شوند، نباید به عوامل درونی مثل تأثیرات ژنتیک و عوامل دوری مانند فقر و فرهنگ و اقتصاد توجه کنیم، انتقاد اساسی که سی سال پیش به جرم‌شناسی صورت گرفت این بود که تأثیر عوامل اجتماعی باعث ارتکاب جرم نمی‌شود بلکه بزهکاران، فرصت‌طلبانی هستند که به دنبال کسب منافع و سود دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

نقش بزهکار در وضعیت پیش‌جنایی، به اندازه‌ی وضعیت بزه دیده و آماج جرم و همچنین عوامل محیطی پررنگ نمی‌باشد، زیرا که تصمیم بزهکار به انجام جرم خود به عوامل و شرایط و اوضاع و احوال بیرونی دیگری از جمله محیط مناسب و آماج تحریک‌آمیز نیاز دارد. به عبارت دیگر بزهکار در شرایط مختلف بر مبنای فهم خود از وضعیت به گونه‌ای عقلانی یا متناسب با اوضاع و احوال عمل می‌کند و سود و زیان ارتکاب به جرم را می‌سنجد و بر طبق آن اقدام می‌نماید.

تصمیم بزهکار به ارتکاب بسیاری از جرائم یک تصمیم کور نیست بلکه تا حد زیادی به شرایط و موانع اطراف بستگی دارد. در حقیقت نقش بزهکار در وضعیت پیش‌جنایی، همان عوامل تأثیرگذار بر تصمیم به ارتکاب یک جرم خاص توسط یک مرتکب خاص است. زیرا کم نیستند افرادی که در عین محاصره شدن در بین عوامل جرم‌زا دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند، بنابراین می‌توان گفت ارتکاب هر جرم خاصی یا تصمیم مجرمانه هر بزهکاری تابع شرایط و عوامل خاص خود است که شناخت آنها به نوبه خود تأثیر بسزایی در پیشگیری از آن دارد (کلارک، اک، ۱۳۸۸، ۸۱).

نقش بزه دیده در وضعیت پیش‌جنایی

از میان عناصر گوناگون وضعیت پیش‌جنایی، بزه دیده مهمترین نقش را در تحقق جرم ایفا می‌کند. در تحقق جرم، علاوه بر مجرم بالقوه، وجود یک بزه دیده بالقوه و اوضاع و احوال مناسب قبل از جرم نیز ضروری است بدون جمع بزهکار و بزه دیده وقوع جرم غیرممکن است در حقیقت همان فرمول «جرم = وضعیت + بزه‌دیده + بزهکار» مورد توجه است (گسن، ۱۳۸۶، ۲۰).

ارتباط بین بزه دیده و بزهکار نقش اساسی در انتخاب بزه دیده توسط بزهکار ایفا می‌کند.

ممکن است انتخاب بزه دیده توسط بزهکار، بر اثر رابطه‌ای باشد که قبلاً بین آنها وجود داشته است، این رابطه ممکن است رابطه‌ای تعارض‌آمیز یا نزدیکی باشد که وقوع جرم را تسهیل می‌نماید و فرصت جرم را ایجاد می‌کند. اما در مواردی از جرائم نیز هیچگونه رابطه‌ی قبلی بین بزه دیده و مجرم نبوده و انتخاب شدن بزه دیده توسط مجرم امری اتفاقی است. اما باز نمی‌توان گفت که در صورت عدم ارتباط قبلی بزه دیده و بزهکار همیشه وقوع جرم بر روی یک بزه دیده امری اتفاقی است. مثلاً کمتر اتفاق می‌افتد که قتلی بدون هیچ دلیلی و بدون وجود ارتباطی قبلی میان بزه دیده و بزهکار رخ دهد، به جز در برخی موارد مانند سرقت که به طور مخفیانه صورت می‌گیرد و شخصیت بزه دیده، مورد نظر سارق نیست که می‌توان گفت هیچ رابطه‌ای بین سارق و مالباخته وجود ندارد (میر خلیلی، ۱۳۷۸، ۱۶۳).

یکی دیگر از عوامل وضعیت پیش جنایی در تحقق جرم، محیط می باشد. بعضی از محیط ها به دلیل ویژگی های کالبدی و خصوصیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند، بر عکس بعضی از محیط ها، مانع و بازدارنده فرصت های مجرمانه هستند و همین امر موجب گردیده است تا در دو دهه ی گذشته سیاستمداران و محققان به محیط به عنوان یکی از عناصر وضعیت پیش جنایی، جهت کنترل و جلوگیری از بروز جرم، توجه ویژه ای نشان دهد. از این رو بررسی های مربوط به محیط های مختلف از اهمیت بسزایی در مطالعه جرم برخوردار بوده و ضرورت بررسی موضوع را دو چندان می کند.

محیط مناسب، موجب تحریک بزهکاران و ایجاد انگیزه برای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه می باشد، بنابراین با مدیریت صحیح و شایسته از محیط، می توان زمینه و امکان تحقق بسیاری از جرائم را در محیط های مختلف از بین برد، زیرا که مجرمین در انتخاب محیط بسیار سنجیده و منطقی عمل می کنند و محیط هایی را جهت اعمال مجرمانه خود انتخاب می کنند که در آنها امنیت بیشتری باشد و با ارتکاب جرم منافع بیشتری را به دست بیاورند از این رو تغییر در ساختارهای مکانی و شرایط محیطی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین خواهد شد.

کینبرگ جرم را به مثابه یک سازش نایافتگی و محیط را وسیله تحریک می پندارد و طرز تلقی خود را نسبت به فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه در قالب کشش و مقاومت بیان می کند (نجفی ابرند آبادی، بیگی، ۱۳۸۱، ۲۰۳).

در سیاست جنایی اسلام نیز، محیط به عنوان یکی از عوامل خاص موثر بر بزهکاری مورد توجه واقع گردیده و تاکید بر تغییر شرایط آن یا بر حذر داشتن افراد از حضور در برخی محیط ها، از جمله تدابیری بوده که در راستای جلوگیری از تحقق وضعیت پیش جنایی پیش بینی گردیده است (میر خلیلی، ۱۳۸۷، ۳۰۸).

نقش زمان و مکان در تحقق وضعیت پیش جنایی

محیط به عنوان یکی از عوامل اساسی وضعیت پیش جنایی، در برگیرنده شرایط و اوضاع و احوالی است که زمان و مکان از جمله مهمترین آنها است. برخی از زمان ها و مکان ها دارای شرایط و موقعیتی هستند که احتمال وقوع جرم در آنها زیاد است. مجرمین برای ارتکاب جرم به دنبال زمان و مکان مناسب هستند، زمان و مکانی که حداقل خطر دستگیری و حداکثر منافع حاصله از جرم را در برداشته باشد. مجرم همیشه جوانب احتیاط را رعایت می کند و سعی می کند همه مسائل را سنجیده و بعد عمل نماید. مثلا زمان ارتکاب جرم را دقیق مورد بررسی قرار می دهد و زمانی را انتخاب می کند که بهتر راحت تر مرتکب جرم شود. برای مثال برای ارتکاب سرقت، شب را مناسب تر می داند و یا در مورد نحوه انتخاب وسیله ارتکاب

جرم بهترین و کم خطرترین وسیله را انتخاب می‌کند. در مورد مکان نیز سعی دارد کم خطرترین و در عین حال پرسودترین مکان را انتخاب نماید.

برخی مکان‌ها به عنوان پناهگاهی برای مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرند، برای مثال خرابه‌ها ساختمان‌های قدیمی شهر که برای معتادان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر، یا خیابان‌ها و کوچه‌های تاریک برای سارقان و کیف‌قاپ‌ها محل مناسبی برای ارتکاب جرم است.

برخی از زمان‌ها نیز برای ارتکاب جرم موقعیت و وضعیت بهتری دارند، مثلاً شب‌ها، روزهای تعطیل مانند جمعه‌ها و به خصوص تعطیلات عید و تابستان که مردم بیشتر به مسافرت می‌روند یا زمان‌های مقطعی و آنی که با کنترل آنها، می‌توان از جرائم جلوگیری نمود. تغییر دادن شرایط و وضعیت در زمان‌ها و مکان‌های خاص جرم خیز، می‌تواند به نحو قابل توجهی در کاهش آمار جرائم موثر باشد. نظارت طبیعی مثل تامین کردن نور خیابان‌های تاریک، تامین امنیت داخل بانک‌ها و مغازه‌ها از این قبیل است

در برخی از موارد، قانونگذار زمان و مکان ارتکاب جرم را به لحاظ اینکه شخص مرتکب در آن اوضاع و احوال و شرایط خاص به راحتی و بدون هیچگونه مقاومتی از طرف بزه دیدگان انگیزه خود را به اجرا در می‌آورد، جزو اسباب و موجبات تشدید قانونی مجازات مرتکب است. از جمله آن موارد که مقنن صریحاً به عنوان کیفیت مشدده مکانی نام برده عبارتند از سرقت در راه‌ها و شوارع، سرقت از بانک‌ها و سرقت از مناطقی که گرفتار قوه قهریه شده باشند مثل مناطق سیل‌زده و زلزله‌زده و یا ارتکاب سرقت در محل تصادفات رانندگی. در برخی از قوانین نیز ارتکاب جرم در برخی از زمان‌ها مثل ماه‌های حرام و سرقت در شب را به عنوان کیفیت مشدده زمانی مصوب داشته است و مجازات مرتکب را تشدید کرده است (حسانی، ۱۳۷۸، ۸۱).

پیشگیری در جرم بواسطه طراحی محیط در خنثی نمودن وضعیت‌های پیش‌جنایی

وضعیت پیش‌جنایی، همان‌طور که در بخش اول ذکر شد، اوضاع و احوال خارجی است که بزه‌کار را احاطه می‌کند و او را به سوی تحقق جرم سوق می‌دهد. به عبارت صحیح‌تر، این وضعیت‌ها، موقعیت‌های قبل از تحقق جرم است که با ایجاد آنها، تحقق جرم نیز آسان می‌گردد.

در وقوع یک جرم، همگرایی و تقارن سه عنصر لازم و ضروری است، در صورت نبود هر یک از این عناصر، جرمی تحقق نمی‌یابد. این سه عنصر: مجرم، قربانی و محیط می‌باشند (اشنایدر، ۱۳۸۵، ۲).

بنابراین برای پیشگیری از تحقق وضعیت پیش‌جنایی نیز باید به این موارد توجه شود. مطالعات جرم‌شناسی سال‌های اخیر به سه رویکرد در زمینه جلوگیری از تحقق وضعیت پیش‌جنایی معتقد است که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط به عنوان اولین رویکرد در این زمینه مطرح شده است در این رویکرد، مکان، محیط جغرافیایی، خصوصیات فیزیکی محیط، معماری و طراحی فضا و به طور کلی زمینه‌های موقعیتی

می‌توانند به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در جلوگیری از وضعیت پیش جنایی مطرح شوند (فورچی بیگی، ۱۳۸۶، ۱۴۸).

پیشگیری وضعی در ممانعت از وضعیت پیش جنایی

در رابطه با پیشگیری از جرم، سه شیوه مبارزه ای وجود دارد که مکمل یکدیگر هستند، در عین حال برای وضعیت‌های متفاوت جرم در نظر گرفته شده‌اند. این مراحل سه گانه عبارتند از:

۱- مرحله قبل از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم

۲- مرحله پس از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه

۳- مرحله پس از اجرای فکر مجرمانه و تحقق بزهکاری

در مرحله اول، تدابیر مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در جهت از بین بردن مجرمیت اعمال می‌شود به صورتی که تصمیم به ارتکاب جرم در ذهن افراد ایجاد نگردد. این مرحله از پیشگیری، پیشگیری اجتماعی نام دارد در مواردی از قبیل رفع فقر، بیکاری و ایجاد فرهنگ صبر در مقابل وسوسه‌های مجرمانه از این دسته به حساب می‌آیند.

در مرحله دوم که فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم گرفته و شیوه‌های مرحله اول در او موثر واقع نگردیده، راه‌حلی به کار گرفته می‌شود تا شخص مصمم به ارتکاب جرم نتواند تصمیم خود را عملی نماید. در این مرحله باید وضعیتی ایجاد گردد که تحقق عمل مجرمانه را دشوار و پرخطر یا ناممکن سازد بنابراین به این روش پیشگیری وضعی گفته می‌شود در این روش بدنبال کاهش وضعیت‌های پیش جنایی است.

مرحله سوم، پیشگیری کیفری از جرم را مدنظر قرار می‌دهد که از طریق اعمال شدید قانون و مجازات توسط دستگاه‌های کیفری صورت می‌گیرد. این مرحله بر تأیید بازدارندگی مقررات کیفری و روش‌های رسمی یا قانونی برخورد با جرم اصرار دارد. و معتقد است از طریق اعمال مجازات و اقدامات موثر برای دستگیری مرتکبین می‌توان از تحقق جرم پیشگیری نمود.

از میان این مراحل سه گانه، مرحله دوم، یعنی مرحله پس از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه، به وضعیت پیش جنایی مربوط می‌شود که بهترین روش برای پیشگیری از آن راه‌حل پیشگیری وضعی می‌باشد.

بنابراین در پی عدم موفقیت تدابیر پیشگیری اجتماعی، توسل تدابیر پیشگیری وضعی، از طریق کاهش آماج جرم و وضعیت پیش جنایی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. این رویکرد باعث تمرکز به موقعیت‌های خاصی می‌شود که در آن فرصت‌های جرم فراهم است (شمس ناتری، توسلی زاده، ۱۳۹۰، ۲۰۱).

در پیشگیری وضعی، کنترل و ابتکار جای مجازات را می‌گیرد و با انجام تکنیک‌های پیشگیری، متناسب با هر هدفی که ممکن است آماج جرم قرار گیرد، در جلوگیری از تحقق وضعیت‌های پیش جنایی نقشی اساسی ایفا می‌نماید.

در رویکرد پیشگیری وضعی، جرم قابل پیش‌بینی است و بدون توجه به اینکه بزهکار تحت تأثیر چه عواملی بوده، می‌توان با کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و آماج‌های آن و با اعمال روش‌های فیزیکی یا تغییر و کنترل موقعیت‌های مناسب برای ارتکاب جرم، وقوع آن را خنثی نمود (صفاری، ۱۳۸۰، ۲۸۳).